



۶

پایه

گفت وگو با محمدامین همدانی
تهیه‌کننده انیمیشن موفق ایرانی

گل طلایی «پسر دلفینی»



۹

نگاهی به مستند «سرزمین آب‌ها» در گفت‌وگو
با مرضی نصرالهی، تهیه‌کننده و کارگردان

دایرة المعارف آذربایجان

۸

سبک زندگی

بررسی خلأ قانونی سگ‌گردانی
در گفت‌وگو با کارشناسان

دنیا به سگ گردانی آزادباش نداده است!

۱۲

حجت‌الاسلام شهاب مرادی در گفت‌وگو با «جام جم»:

پویش #برای-غدیر-چه-کردی را ادامه می‌دهیم

بدون شک اولین نهاد اجتماعی، در راس تمام نهادهای عریض و طویل اجتماعی، خانواده است. همه ما پیش از ورود به مدرسه بسیاری از مفاهیم انسانی، اجتماعی، فرهنگی و دینی را از والدین مان آموختیم و در خانه یاد گرفتیم نسبت به هر اتفاق روزمره یا مناسبت ملی و مذهبی چگونه واکنش نشان دهیم. آموختیم محرم هرسال را برای سید و سالار شهیدان عالم سیاه به تن کنیم و هنگام آب نوشیدن، سلام دهیم به ایشان. پیش از همه اینها اما در همان خانواده و در سنین کم آموختیم به موقع پا شدن از کدام نام اعلامد بگیریم و این‌گونه دلمان را زمان کودکی به نام مولایمان امیرالمؤمنین گره زدند. با حجت‌الاسلام و المسلمین شهاب مرادی، کارشناس مسائل جوانان و خانواده درباره نقش خانواده در تعلیم عیدغدیر و چگونگی تبلیغ عیدغدیر در خانواده‌ها می‌انجامیم گفت‌وگو نشسته‌ایم.



۱۰

گفت‌وگو با سیدعلی حسینی‌زاد
درباره برنامه‌های تازه شبکه ورزش:

ناشناخته‌ها را بشناسیم

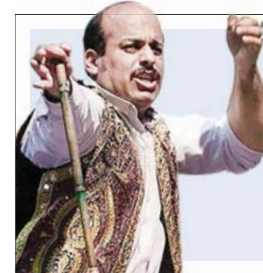
۶



مباهله به جشنواره غدیر اضافه شد

نقالان ایران آخرتیر در تهران

۱۱



عمق میدان

ما در چه موقعیتی هستیم؟

اعمال تغییر با «وهم» جلوگیری از تغییر!



در شماره قبل نوشتیم که بنا بر ادله عینی و عقلی، رخداد تغییر نظام جهانی براساس تصمیم رهبری گلوبالیست‌ها درباره جانشینی چین به جای آمریکا روی خواهد داد و در این وضعیت، ضرورت تغییر ساختار پیروانی کشور اهمیت بیشتری می‌یابد چرا که در این شرایط، باید میراث شوم مدرنیزاسیون مبتنی بر مدیریت استبدادی یعنی ساختاری که در خدمت ساختار و منافع کشورهای سلطه‌جو بوده است، اهمیتی منافع‌یاد برای هوش ایران و در این وضعیت، نقش رسانه‌ها برجسته خواهد بود.



میراحمد میراحسان
شاعر و پژوهشگر

رسانه‌های معاند، امیدواری براندازی جمهوری اسلامی می‌پرورند و در دهه‌های گذشته هم اگر سریال‌های ماندگار خدا نقش و حضور نداشت که خود را از یادشان بیرون کشیده بود ولی این کدام تغییر بود که آنان در پی آن بودند و چرا رسانه‌های ما نسبت به این تغییر بی‌خبر و عقب‌مانده عمل کرده و آن را افزایش کردند؟

آیا هوش سیاه این قدرت نمان جهان را بدستگاه وسیع تبع و کار کاوش دانشمندان قطعاً از بحران فروپاشی و خیزش جهانی به سیاستمداران شان خیر داده بود؟ آیا با همه ابزارهایی که یهودیت و مسیحیت یهودی از جمله دانشگاه‌ها و علم شیطان و نیز علوم غریبه و جادو و رسانه دارد از خیزش اسلامی خیردار شده بود؟ خیزشی که بر خلاف اعتراضات مردم ناراضی غرب که فاقد آرمان معتبر و رهبری معتمد است، رهبری اش دست یک ذخیره الهی (عج) شکست‌ناپذیر و مسلح به اراده و قدرت فرابشری ریش است و موعودی حاضر و موجود و زنده است که ندای نابودی ظلم جهانی و کفر و شرک و نفاق را طنین‌انداز خواهد کرد و حال، شیطان جهان‌خوار به وهم جلوگیری از تغییر اصل دوران ظهور، مکر و انموده تغییر را در «گیم» اغواگر رسانه آغاز نهاده و پرچم تحول برافراشته بود؟ بی‌خبران که مکر خدا بر مکر کافران غلبه حتمی دارد!

چرا رسانه‌ها نقشی را که امام خمینی برای رسانه‌ها تاکید ورزیده بود، به عهده نمی‌گرفتند. علت یا علل چه بود که مهم‌ترین تغییر جهان کفرایی خیرت‌ماشایی کردند؟

باید فساد را از جامعه برچینیم

کرونا ادامه داشت. بحث و مقالاتم نیز. من به اطلاعات و دانسته‌هایم رجوع می‌کردم و بازی تغییر به موضوع جدی اندیشه‌ام بدل شده بود. اطلاعات فراوانی درباره سرمایه‌داری

سرمایه‌داری آسیایی به جای سرمایه‌داری آمریکایی

با توجه به فرتوت شدن سرمایه‌داری آمریکا از یکسو و نقش رشدیابنده چین می‌شد حدس زد تغییر نو می‌تواند به معنای تصمیم قدرت جهانی برای جایگزین کردن مدل سرمایه‌داری و ساختار و سازمان اقتدارگرای چین به جای آمریکا باشد زیرا آمریکا به درگیری بحران با بدل شده است و قدرت مقابله با دو بحران تهدیدکننده را ندارد؛ یکی شورش میلیاردها انسان در آسیا و آفریقا و لاتین و... و دوم به ویژه در برابر رستخیز و بیداری اسلامی که رهبری آن به دست انقلاب اسلامی است. پدیده داعش و جنگ‌های استقلال ستیزانه آمریکا دقیقاً در پهنه همین میدان گیم سرمایه جهانی توطئه چینی شده و احتمالاً کرونا با اهداف چند گانه اش در همین مسیر اثبات صلاحیت، اقتدار و انضباط و لیاقت الگوی چین برای رهبری جهان به جای آمریکا طراحی گشته است. البته تعویض یکجانبه‌گرایی آمریکایی لزوماً به نظامی چند قطبی نمی‌انجامد. یک نظام اقتدارگرای تازه نفس توانا به تأمین آرامش برای سرمایه جهانی یهود باید مناسب‌تر از جهان چند قطبی است.

جهانی در قرن ۲۱ داشته. هم درباره تبارشناسی حرکت سرمایه از دوران مرکانتالیسم تا سرمایه‌داری انحصارگرای امپریالیستی قرن بیستم تا پیدایش سیطره‌های مالی بین‌المللی و نهادهای جهانی و بانکی آن و درباره تأثیر و نقش آن در سیاست کشورهای کانونی در سلطه‌گری بر مناطق دنیا به ویژه منابع آب و انرژی، جنگ‌های منطقه‌ای و انقلابات رنگی و حتی تعیین رئیس جمهور برای آمریکا و فرانسه و نخست‌وزیر برای انگلیس و کانادا و جنگ‌های منطقه‌ای و... پس آیا مقصود همان تغییری نبود که قدرت جهانی سرمایه‌داری متاخر در پی آن بود؟ تغییری

با وهم جلوگیری از تغییر! جلوگیری از تغییر بزرگ الهی در کره ارض که طومار ظلم را در هم می‌پیچد اما این تغییر ظالمان، چه می‌توانست باشد؟ باید بدانیم ما دو بازار جهانی نداریم و آمریکا و چین و اروپا و... همه جزئی از این بازار واحدند.

همین مطالب مضمون مقالات متعدد را در دو سال پیش می‌ساخت و تاکید به این که ایران فرصت زرینی دارد که در شکاف این بازی از قیدها رهایی یابد و رؤیای دینی و انقلابی‌اش را محقق سازد به شرطی که ضمن ارتباط فعال با بلوک شرق دمی از شعار نه غربی و نه شرقی‌اش دست نکشد و در مسیر زندگی در

رده کشورهای مرکز حرکت کند ولی همه اینها از فعل رسانه‌های ما نهادهای علمی و دانشگاه و وزارت فرهنگ و ارشاد و سینما و صدا و سیما و مطبوعات مختلف دور و دورتر بود.

بدیهی است که وفاداری به خط امام و رهبر معظم شرط نخست کسب این جایگاه کانونی و قدرت احیاء شده اسلامی کنار قدرت‌های دنیوی شیطان است. در کنارش حقیقت آن است که همه شرایط آماده باشد بدون تلاش و سعی ملتی متحد و وفادار به انقلاب الهی، هیچ تغییر بنیانی در ساختار پیرامونی ایران رخ نخواهد داد. این نکته اصلی را به یاد داشته باشیم و بدانیم چرا همه زور دنیای استکبار فرو پاشاندن وحدت مردم ایران است.

ما اگر در وسع خود فساد در کار اجتماعی را برطرف سازیم و سازمان سالم برای جامعه‌ای سالم در حد عرف موجود برقرار کنیم و خرابی، ظلم و تبعیض اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را برطرف نماییم و داخل مملکت را با کساز و سالم‌سازی کرده و دست قشر ممتاز حرامکار را کوتاه کنیم، کاری کارستان کرده‌ایم.

ضرورت اصلاح ساختاری نهاد رسانه

امروز نهاد‌های مختلف حکومتی از جمله نهاد رسانه ما در این دوران بی‌نظیر بسی دورند از سلامت محتوایی و سازمانی و مدیریتی و نیروهای کارآمد و انجام تکالیف‌شان. دلیل این فشل بودن، هم ساختار است و هم مدیریت آن و... و فاصله با فهم تغییرات جهانی در انجام وظایفش.

حالا به طور ویژه می‌خواهم درباره ساختار رسانه ملی ما و ضرورت تغییرش بنا به دو تغییر اشاره شده جهانی و ملی، حرف بزنم.

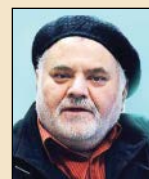
بی‌تردید امام امروز هم در درک تغییر جهان و ضرورت تغییر ایران و نقش تغییر یافته رسانه، در راس تغییر طلبی مثبت قرار دارد و باید با بازخوانی مدام از فراموشی نگرش زنده‌اش جلوه‌گیری کرد که توانایی و رهایی ما از قید کفر جز بنا به افق تغییر امام شدنی نیست. امروز ادراک منظر امام از تغییر ساختار مدیریتی و برنامه‌سازی و تشکیلاتی را مقصدهای گام دوم انقلاب اسلامی تحت هدایت و روایت امام خامنه‌ای مشخصاً تعیین می‌بخشد با این توضیح که به نظر من، بدون اصلاح پیشرو خلل‌های بزرگ در درک اهداف و وظایف با چشم‌انداز موقعیت ما و تربیت و ارتباطات موحدانه با پیروان و کاروان تکالیف‌بندی در امر رساندن پیام‌های اسلام با نهاد رسانه به ملت ایران و مردم جهان حرف از هر گام دیگر برداشتن ناممکن است. در این مرحله کار ما اصلاح بنیادین است و ساختار مناسب این

وظیفه را پدید آوردن و در کشمکش جهانی و داخلی حق و باطل نیازهای سازمان سالم و کارآمد این مبارزه و نیروهای تربیت شده‌اش را تدارک دیدن و بساط فساد و فاسدان بی‌باور را جمع‌کردن، باید سازمان اداره جامعه رسانه‌ای را نظم بخشیم، بدون تقوی و ساختار تخصصی مناسب و تغییر لازم در نحوه سازماندهی و مناسبات تشکیلاتی و کنترل دقیق نظام کار در سیستم مدیریت و نظارت بر کارمدیران و تشویق و تنبیه جدی و... گامی نمی‌توان پیش نهاد. بحث تغییر رسانه، خود بحث مفصلی است که پیگیری خواهیم کرد.

یادداشت

یک چالش در سریال سازی

شرایط تولید سریال نسبت به دهه‌های قبل به لحاظ اقتصادی، سیاستگذاری‌های تلویزیون و بحث تهیه‌کنندگی تغییرات زیادی داشته است و اگر بخواهیم به ارزیابی کلی تولیدات بپردازیم بدون این‌که این شرایط را در نظر بگیریم به نتیجه درخوری نخواهیم رسید.



محمد مهدی قمی‌ش

بازیگر و طراح هنری

بحث اقتصادی در سریال‌های اخیر تبدیل به یک چالش بزرگ شده است یعنی گاهی با تهیه‌کنندگانی روبه‌رویم که متأسفانه پایبند قول و قرار خود نیستند و در نتیجه برایشان اهمیتی ندارد که به موقع با عوامل تسویه کنند و در نتیجه انرژی عوامل هم بر سر بحث برای دریافت حق خویش، گرفته می‌شود.

اگر بخواهیم مصداقی صحبت کنیم خود من شش ماه قبل در سریالی بازی کردم و هنوز دستم‌زدم را دریافت نگردم. تازه یکی مثل من دارای تجربیات متعدد قبلی هستم و باز این‌گونه دچار مشکل می‌شوم وای به حال جوان‌ترهایی که از روال خبر ندارند.

هستند در تلویزیون تهیه‌کنندگان باتجربه‌ای که هنوز بر قول و قرار خویش پایبندند و در دهه‌های گذشته هم اگر سریال‌های ماندگار تولید می‌شد یک دلیل آن وجود همین تهیه‌کننده‌ها بود ولی بعضاً در سال‌های اخیر حرکت به سمت جلب اسپانسرهای بیرونی باعث شد افراد تازه‌کار و بی‌تجربه‌ای وارد حیطه تولید شده و کارها را خراب کنند. بحث حضور اسپانسر مالی مشکلاتی را هم درباره تولید و هم دخالت در فیلمنامه و در عین حال بعدی‌های مالی به همراه دارد. ایرادی ندارد که اسپانسر جذب پروژه‌ای شود تا بتواند سریال را از نظر مالی حمایت کند ولی این اسپانسر حیطه اختیاراتش کجاست؟ آیا اسپانسر باید در همه چیز دخالت کرده و بعد هم در پرداخت هزینه‌ها، بدعهدی کند؟

اگر قاعده کار را در نظر بگیریم هیچ اسپانسری نباید بدون مشخص کردن حیطه اختیارات وارد تولید شود و نباید اجازه داد اسپانسرهایی که کارکرد فرهنگی تلویزیون را نمی‌دانند به صرف این‌که پول دارند وارد کار شوند. ابتدا باید آنها آگاه کرد که وارد چه حیطه‌ای شده‌اند و بعد هم در قراردادهایی روشن و با معلوم کردن حیطه اختیارات آنها به سمت تولید رفت.

صدا البته که این روال ایجاد نمی‌شود مگر در سایه این‌که تهیه‌کننده‌های باتجربه در کارها به خدمت گرفته شوند چون افراد باتجربه هیچ‌گاه اعتبار خود را زیر سؤال نمی‌برند و حتی اگر اسپانسر جا بزند باز هم قدرت این را دارند که با مدیریت صحیح و درست خویش، شرایط را به سمت منطقی شدن پیش ببرند.

تهیه‌کننده باتجربه حتماً بر قول و قراری که با تک‌تک عوامل، از بازیگر تا هنرور گذاشته پایبند است و تا ریال آخر دستم‌زدها را تسویه کرده و کاری می‌کند که بازیگر با خیال راحت و بدون هرگونه دغدغه ذهنی جلوی دوربین برود. تهیه‌کننده‌ای که بتواند از نظر روحی بازیگر و عوامل را دلگرم کند مطمئناً نتیجه کارش را در خروجی خواهد دید که کیفیت سریال چند برابر خواهد شد.